

دو هفته نامه سیاسی-تحلیلی سرخط بسیج دانشجویی دانشگاه خلیج فارس

شماره ۱۳۳ ی نیمه اول اردیبهشت ۹۹ سال سیزدهم

قیمت : ۲۰ دقیقه وقت گرامی شما



زمین را از فضا می بینیم



روز خلیج فارس مبارک باد



نشریه سیاسی تحلیلی بسیج دانشجویی



SARKHAT_JOURNAL

برای ارتباط با ما، ارائه ی پیشنهاد و یا انتقاد از
طریق فضای مجازی باما در ارتباط باشید

دانشکده پردیس-طبقه دوم-
سمت چاپ-انتهای راهرو

شناسنامه سرخط

صاحب امتیاز	مدیر مسئول	سردبیر	طراح	همکاران
بسیج دانشجویی	علی عمرانی	محمد امین نورانی	سید امیر حمزه	مصطفی بشرایی، محمد منافی،
			حسینی	سهیل ستاری، بهنام حسینی، علی
				بهمنی، زهرا موسایی، سیده فاطمه
				موسوی، زهرا دهقان

۸۷/۸/۹

بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام

برخلاف ادعای **آمریکایی** ها، حضور آنها نه تنها هیچ گونه امنیتی برای این منطقه به وجود نمی آورد، بلکه **مقدمه** و موجب **ناامنی** است. **خلیج فارس**، یک دریای محاط به چند کشور با ملت های سابقه دار و ریشه دار است و از همه بیشتر، **مرزهای** **عمدت و طولانی ایران عزیز و اسلامی** قرار دارد. خلیج فارس باید به وسیله کشورهای که خلیج فارس متعلق به آنها و در آغوش آنهاست، اداره شود. حضور نیروی بیگانه، تحریک کننده است. **ملت ایران اهل اقدام به جنگ و خونریزی و تجاوز و تعدی نیست؛ اما در مقابل انگیزه های خائنانه دشمنان**، نشان داده است که شجاع، مصمم، قوی، بااستقامت، **گاه و بابصیرت نسبت به وظیفه تاریخی خویش عمل میکند.**



کافه کتاب

صفحه ۱۶

فهرست

مدافع سلامت

۴

گجیک خوان

۵

آسیاب به نوبت

۶

روشنای امید

۷

چشم جهان بین

۸

دختر یا پسر؟!

۹

عشق پست مدرن / قسمت چهار

۱۱

رسانه محصور

۱۲

خون بهاء

۱۳

آدمک، آخر دنیا...

۱۴

بیان روشن

۱۵

کافه کتاب (سه دقیقه در قیامت)

۱۶

گجیک خوان
صفحه ۵

صفحه ۹

فمن خانه /

پسر یا

دختر؟!

عشق پست

مدرن

صفحه ۱۱

مدافع سلامت

سینه سپر کرده ای از سنگر عشق آمده...

دکتر غلامرضا فخری از پرسنل و کادر درمانی بیمارستان
مسیح دانشوری تهران پس از فدای جان شیرینش در دفاع
از سلامت مردم و نوشیدن شهد شهادت، به استان بازگشت
و در زادگاهش، برازجان آرام گرفت.

کسی حتی به مخيله اش هم خطور نمی کرد که خط مقدم
جبهه، بخش مراقبت های ویژه ی بیمارستان باشد. جهاد
ادامه دارد و قرعه ی توفیق این بار لباس رزم را بر تن کادر
درمانی کشور پوشانده. و چه خوش قد و قامت ست سرو
رعنای شان. بی کم و کاست، و شبانه روز حیات و ممات
شان را در طبق اخلاص گذاشته و راه جانبازی و جان
نثاری می پیمایند.

شهید والامقام، دکتر فخری، که اولین شهید مدافع سلامت
استان لقب گرفته اند با رعایت تمام پروتکل های بهداشتی
در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد.





تویپتری ها چی دارن

علی سیستانی



عزیزان همیشه به نشانه اعتراض محصولات کشاورزی و مرغ که قیمتش پایین اومده رو بدین به نیازمندان و نریزید توی رود و جاده و جوب؟! مثلاً بگید من به نشانه اعتراض ۱۰۰ کیلو مرغ رو مجانی میدم به چند خانواده نیازمند فیلمشم بگیر من قول میدم پخشش کنم برات حداقلش اینه که اون محصول حیف نمیشه

دیبی



بنابر اعلام سازمان بهداشت جهانی، ایران با بهبودی ۷۸ درصدی مبتلایان به #کرونا در رده دوم بهترین کشورهای ارائه خدمات کرونایی قرار دارد، که نشان ضعف شدید سیستم بهداشت و درمان این رژیم شنیع و خونخوار است.

نرگس ریسی



اسمش محمد مهدی زاده است و ۲۷ سالشه هر روز مسافت ۸۰ کیلومتری رو با موتورش طی میکنه تا خودشو به روستای گلدرق «اهر» و کلاس درس برسونه یاد پدر خودم افتادم که سال های دور مثل همین معلم بهشتی با موتورش می رفت روستاهای دور افتاده چهارمحال بختیاری و درس میداد آخه مگه میشه معلما رو دوست نداشت؟

مجید قربانی



آقای روحانی ما که نفهمیدیم اون ۴,۸ میلیارد دلار رو کجا خرج کردی؟ لااقل بگو این یک میلیارد یورو رو داری کجا خرج میکنی؟

@Rouhani_ir

میگن؟

علی اکبر رائفی پور

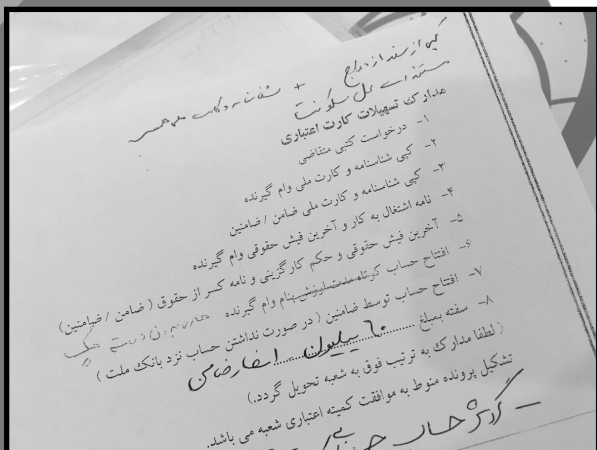


واحد مهندسی و سلامت مصاف در آستانه تولید یک نمونه پرتابل #ونتیلاتور مکانیکی هستند مستحضر هستید که برای درمان بیماران کرونایی در وضعیت وخیم بیش از هر چیز به دستگاه ونتیلاتور مکانیکی نیاز داریم. امیدوارم آقایان پس از رونمایی از آن، تجربه تلخ رسانه ای #پاداسکای را تکرار نکنند

میلاد گودرزی



اومدم بانک #وام ازدواج بگیرم میگه ۲ تا ضامن با گواهی کسر از حقوق، ۶۰ میلیون سفته، کسر از حقوق و گردش حساب خودت و... لازمه! مسئول اعتبارات شعبه که داشت حرف میزد یه لحظه ای همه ی وام های چند صد میلیار دی ای که با امضای کارتن خواب ها پای یه برگه ی سفید پرداخت شده بود از جلوی چشمم رژه رفت!



آسیاب به نوبت

نویسنده: مصطفی بشرایی

این را آویزه‌ی گوش سعودی‌ها کنید: «چاه مکن بهر کسی،
اول خودت، دوم کسی!»

مقامات سعودی که با حمایت مقامات آمریکایی وارد یک جنگ تمام عیار نفتی با روس‌ها شدند. نفوذ آمریکا در خاورمیانه چیز تازه‌ای نیست. آنها صدام حسین را هم به همین ترتیب برای آغاز جنگ ترغیب کرده بودند. سعودی‌ها با همان طناب پوسیده‌ی آمریکایی به چاه رفتند که صدام، قذافی، مبارک، مرسی، عبدالله، و سایر حکام مخلوع عربی را نیز سرنگون کرده بود. اندکی حافظه‌ی تاریخی هم بد نیست! سعودی‌ها که سال‌هاست حکم ژاندارم آمریکا در خاورمیانه دارند؛ همان دمی را تکان می‌دهد که پهلوی برای آمریکا می‌جنباند. آخرین خوش خدمتی آل سعود برای دولت ترامپ، راه اندازی جنگ نفتی برای کاهش قیمت نفت و فشار به روسیه بود. اما شیوع کرونا و همه‌گیری این ویروس، تعطیلی گسترده‌ی صنایع مختلف در سطح بین‌الملل را در پی داشت که قیمت نفت را به سقوط آزاد هولناکی وا داشت. چیزی که صنعت نفت آمریکا را بیش از حد تحت تاثیر قرار داد. بهای نفت خام آمریکا حتی به زیر صفر رسید! دولت آمریکا برای

جلوگیری از ضرر بیشتر، سعودی‌ها را وادار به خاتمه‌ی جنگ نفت کرده. آل سعود از خود وجهه‌ی عروسک خیمه شب بازی ساخته است.

آمریکا بارها در منطقه حاکمیت کشورهای منطقه را نقض کرده است؛ از عربستان سعودی اما آلتی کریه برای دستیابی به مقاصد استعماری خود کرده است. این دست نشانده‌ی آشکار آل سعود خفتی به مراتب فراتر از مداخله‌ی مستقیم بیگانه در امور کشور است. این رژیم کودک کش که دستان خود را به خون مسلمانان مظلوم یمن آغشته است، پیش از این هم نشان داده بود بیش از آن که به یکپارچگی و وحدت امت‌های اسلامی بیندیشد در پی صیانت از منافع آمریکا در منطقه است. و حالا با برهم زدن بازار جهانی نفت، نه تنها به خود و کدخدایش زیان زد که سایر تولیدکنندگان نفت را نیز متضرر کرد. باید دید تولیدکنندگان نفت به قرارداد جدید اوپک پلاس پایبند خواهند ماند یا نه؟ با این همه اما مسئله‌ی وابستگی عربستان به آمریکا لاینحل باقی خواهد ماند. مگر آن که آل سعود هم مسیر امثال قذافی و صدام را طی کند.

روشنای امید

نویسنده: محمد منافی

تحت الشعاع قرار می‌دهد. «#ایلنا اروپا با همان سبک و سیاق روباه صفتانه، کماکان شریک دزد و رفیق قافله است. آنها سعی می‌کنند در فرآیند محدود نگه داشتن ایران به آمریکا کمک کنند. اما از ارتباط با ایران هم دریغ ندارند. آنها ایران را یک گربه‌سان اما بدون چنگال می‌خواهند.

واکنش دولت ایران و وزارت امور خارجه به این جهت گیری های مداخله گرانه در نوع خود جالب است. محمد جواد ظریف، در توییتی نوشت: «آمریکا برخلاف قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل از سال ۲۰۱۷ در حال زورگویی به بقیه بوده است. اروپا نیز به جای قطعنامه ۲۲۳۱، از آمریکا تبعیت کرده است. هیچ کدام از طرفین نمی‌توانند ایران را بر اساس تعبیر نادرست و بی‌اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل نکوهش کنند. «سیدعباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه هم گفت: هیچ قطعنامه ای ایران را از پرتاب ماهواره به فضا منع نمی‌کند. استناد آمریکا به قطعنامه ۲۲۳۱ بی‌جا و خلاف واقعیات است. رژیم آمریکا با خروج خود از برجام این قطعنامه را نقض کرده و همچنان دیگر کشورهای مستقل را برای نقض آن، آشکارا تحت فشار قرار می‌دهد. #خبر_آنلاین

جالب این که دولت در برابر فشاری که آمریکا و غرب برای تحت الشعاع قرار دادن صنعت موشکی پس از محو فناوری هسته ای، باز هم از برجای سخن می‌گوید که داغی بر دل این مردم است! بهتر است دولت از خواب خرگوشی اش بیدار شود و دست از تظهير برجام بردارد. غرب با حفظ فشار خود پس از فناوری هسته ای در پی برجای ثانویه، و با هدف

در سالروز فرمان امام (ره) به تشکیل سپاه پاسداران، این قوای نظامی دست به اقدامی زد که به زعم سی‌ان‌ان، جهان را غافلگیر کرده است. واکنش‌ها به پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره ی نور بسیار قابل تامل است. ترامپ گفت ما ایرانی‌ها را بهتر از خودشان می‌بینیم! مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده هم گفت: «سپاه پاسداران ایران یک موشک شلیک کرد و شورای امنیت باید تعیین کند که آیا این اقدام برخلاف قطعنامه‌ها بوده است یا خیر. ایران باید به خاطر این اقدام خود پاسخگو باشد. به فشارهای خود علیه ایران ادامه می‌دهیم. «رابرت لودویک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) هم به آسوشیتدپرس گفت: «با وجود آنکه تهران در حال حاضر موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای ندارد اما با توجه به تمایلش برای داشتن یک موازنه استراتژیک در برابر ایالات متحده ممکن است سبب شود که به سمت تولید موشک بالستیک بین‌قاره ای برود.»

جبهه گیری آمریکا در مورد این اتفاق آنقدر سهل‌انگارانه است که می‌توان هول و ولای‌شان از این موفقیت را به وضوح دید.

وزارت امور خارجه آلمان در توییت نوشت: ما درباره ی گزارش‌های ایران مبنی بر پرتاب ظاهراً موفقیت‌آمیز یک ماهواره نظامی نگران هستیم. رویکرد ما مشخص است: برنامه موشکی ایران، تأثیر منفی بر منطقه دارد و از نظر منافع امنیت اروپا غیرقابل‌پذیرش است. سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا در اظهاریه مداخله گرانه: «ما همراه با شرکای بین‌المللی مان نگرانی‌ها بسیاری در این زمینه داریم و برنامه موشک‌های بالستیک ایران امنیت منطقه را

نویسنده: سیده فاطمه موسوی (تابان)

عرضم به حضور شریفستان که قوی شدیم
انقدر قوی که میتوانیم گلف بازی کردن پسر جناب قمار باز
را رصد کنیم و دقیقاً ببینیم چند سانت با هدف فاصله
داشته، یا مثلاً اینکه نتایهاو با پای چپش به سمت ترامپ
میروند که دست بدهد یا پای راست.
انقدر قوی که نه تنها جرعت نمیکند پنجاه و دو نقطه
حیاتی را بزنند، بلکه حیاتی هم به پنجاه و دو نقطه با امنیت
تمام قطر میکنند.

حتی اینکه چند نفر در صف خرید دستمال کاغذی همدیگر
را کتک زده اند و مشت اول را کدام یک
حواله دیگری کرده است قابل نظاره است.
اینکه کدام موشک کجاست، میخواهد چه کند، کدام
هوایمای جنگی بلند شد، کدام نشست همه در سیطره ی
تسلط ماست.

این اولین ماهواره نظامی ما بود و بعدی ها نیز در راه. اینجا
ایران است شیعه ی خانه ی امام زمان
سرزمین تهرانی مقدم ها،

بابایی ها و دوران ها،
سرزمین کاظمی ها و سلیمانی ها.
سرزمین کسانی که فلک را سقف شکافته و طرحی نو
در انداخته اند

این روزها تحقق جمله ی عزیز دردانه خدا است: که دانش
اگر در ثریا هم باشد مردانی از سرزمین پارس به آن دست
می یابند.

ققنوس وار از میان خاکستر، متولد میشویم و پرواز میکنیم
و اوج میگیریم.

نمیشود و نمیتوانیم برای ایران ما بی معناست.

صنعت موشکی ست. بد نیست به جای انتظار از غرب و اعتماد
روابط سیال بین الملل چشم به ظرفیت های داخلی
دوخت. سفیر ایران در روسیه، کاظم جلالی طی توثیتی به زبان
روسی نوشت: «پرتاب موفقیت آمیز ماهواره نور علاوه بر نشان
دادن بعد دیگری از توانمندی و خودباوری جوانان ایران این پیام
را دارد که عزم ایران برای دست یافتن به قله های دانش و
فناوری روز جهانی جدی است و در این راه منتظر هیچ کشوری
نمی ماند.» #فارس

جعفرآبادی، یکی از فرماندهان هوافضا هم در گفتگویی خبری:
این ماهواره بخشی از پازلی ست که قرار است عملیات های
شناسایی، پشتیبانی راهبردی در عملیات های شناسایی، ارتباطی
و ناوبری را انجام دهد.

اما در میان صاحب نظران و رسانه ها، بودند کسانی که زبان به
تحسین بگشایند و از عملکرد سپاه ایران تمجید کنند. جاناتان
مک داول، منجم و اخترشناس آمریکایی: ایران مهندسين بزرگ
اما با منابع محدود دارد. موشک قاصد برای پرتاب فضاوردان به
اندازه کافی بزرگ نیست. اگر سازمان فضایی ایران روی
«سیمرغ» کار کند آنها بتوانند این کار را انجام دهند. #دانشجو
ژرژ مالبرونو، گزارشگر ارشد روزنامه ی فرانسوی فیگارو: "ایرانی
ها به یک رکورد فنی دست یافته اند که تنها شمار اندکی از
کشورها آن را در اختیار دارند." #ایرنا
روزنامه اینترنتی «رای الیوم» در گزارشی نوشت: ایران با پرتاب
ماهواره نظامی «نور» شکست عملی تحریم های آمریکا را به
اثبات رساند. #ایرنا

سپاه ثابت کرد ایران می تواند نگاهش به مرزهای خودش باشد،
و جهان را به تحسین وا دارد. می توان بقیه را محتاج به ارتباط
با خود نگه داشت. می توان فعل خواستن را با توانستن صرف
کرد و عزت را نه به پاسپورت که در قلب و روح و جان هر
ایرانی دمید.

دختر یا پسر؟!

Girl OR Boy?!

نویسنده خواهر رزی

همین اول بگویم که دلتان را صابون نزنید که بحث درمورد چگونه پسر یا دختر دار بشویم نیست.

گاهی اوقات مغذم ته میکشد. دیگر نمیفهمد. عده ای را درک نمیکند. نمیدانند این را چطور میشود هضم کرد. دیروز با رفیقم که دختر است (به عمد با تاکید گفتم) حرفم شد. نگران نباشید ما دختر ها زیاد حرفمان میشود. ولی دلمان صاف است و زود دوباره اشتی میکنیم.

کتاب هایی خوانده بود و فکر میکرد دیگر علامه دهر است و چنان پر طمتراق حرف میزد که نگو(میدانم که معنی طمتراق را نمیدانید به عمد گفتم بفهمید چه ادم با سواد هستم)

میگفت که ما نباید اینقدر ضعیف باشیم. گفتم راستش تو که باشگاه میروی و هر گاو نری از ۲ کیلومتری تو هم رد نمیشود. گفت نه بیا بشین معلوم است که خیلی نا آگاهی. نشستیم جلوی ایتی. رفت روی منبر و شروع کرد. ببین عزیزم ما نباید اینقدر خودمان را کوچک بگیریم باید به جلو حرکت کنیم باید حق از کف رفته مان را پس بگیریم. من که از همه جا بی خبر بودم گفتم چه شده دوباره مثل ترم پیش استاد نمره اضافی بت نداده؟ گفت که نه البته اون هم هست ولی الان موضوع مهمتری داریم من میخواهم همه دختران این دانشگاه را بیدارم کنم. گفتم تو که خودت تا لنگ ظهر خوابی من بیدارت میکنم گفت نه اون بیداری ها نه، این بیداری ها گفتم چه بیداری؟

گفت میدانی مردان ما را استثمار کرده اند. انها موجوداتی کریه القلب، زشت خو، تمامیت طلب و خلاصه همه چیز این دنیا را میخواهند گفتم خب گفت ما باید چشمان را بر واقعیات باز کنیم و دیگر نگذاریم انها این همه ظلم روا دارند. گفتم خب چه باید کرد گفت ما باید برویم و شغل هایمان را از انها پس بگیریم دیگر انها برای ما قانون

نگذارند خودمان باید قانون خودمان را

داشته باشیم هر طور خواستیم بپوشیم

هر طور خواستیم بخوریم منم یه دفعه

گفتم هر طور خواستیم ماشین

برونیم گفت اره دقیقا نه یعنی

باید راجع بهش فکر کنم

گفتم یعنی یک کشور با

۲ تا قانون گفت اره گفتم

بعد پسر چطور ،اونها هم باید

قانون خودشون رو داشته باشند؟

گفت اره فکر کنم اره خب چه

مشکلی هست گفتم بعد اینطور

اگر اونا قانونی داشتن که هر

کس رو خواستند تیکه پاره کنن

چطور؟ حتی دخترا رو گفت نه

نه فکر اینجاش هم کردم

قوانینی که به روابط مشترک دو



جنس مربوط میشه باید هر دوجنس قانون گذاری کنند
گفتم خب اینجوری همه قوانین اجتماعی باید به همین
شکل باشه گفت همش نه خب یعنی یکسریاش که
مشترک نیست مثل لباس گفتم یعنی لباس تو توی پیاده رو
تاثیری بر پسرا نداره

گفت ببین حرف اخوندا رو تحویل من نده اصلا این رو بهت
بگم خیالت راحت شه میدونستی مردا ما رو اینطوری کردن
وگرنه ما همه جنس برتر بودیم و اونها زیر دست ما. اصلا
میدونستی که اونا هستن که ما رو میسازن همونطور که
میخوان؟ میبینی این توطئه نیست. گفتم راستش اولی رو
نمیدونم دومی که اره ولی نه به تنهایی. ولی اگر هر
طور میخواستن که همه مون مثل جنیفر لارنس
میزدن خیلی شیک و مجلسی

این رو که گفتم کلی عصبانی شد و
گفت خجالت بکش میبینی تو
خوبی یک زن رو تو
قشنگیش میبینی اف بر تو
گفتم اخه گفت حرف نزن
فقط گوش بده. ما از مردان
برتریم اصلا این رو بگم ما
مرد بودیم اونها زن ولی
اونها در یک جایی از
تاریخ که گم شده ما
رو تغییر دادن
من که کپ کرده
بودم فقط

همینطور نگاش میکردم گفت چیه کم آوردی؟ گفتم
راستش دروغ چرا اره بد هم کم اوردم. فقط اگر ما مردیم
پس مردا چین یعنی اگر مردا بدن چرا ما باید مرد باشیم
وقتی میگی اونا ظالمن چرا ما باید ظالم باشیم. کمی رفت
تو فکر منم به خودم گفتم فکر کنم که متنبه شد ولی یه
دفعه عین چی سرش رو آورد بالا و گفت نه نه. ما مردان
این کره خاکی هستیم ولی ظالم نیستیم یعنی مرد میشویم
ولی ظلم نمیکنیم یعنی مثل این مردان نمیشویم گفتم
مثل کدام مردان میشوی گفت نمیدانم ..

گفتم پس من بروم داد بزنم که ای سوسن، لیلا، اتنا و ...
بیاید که باید همگی مرد بشیم گفت اره ولی نه با این
شدت گفتم بعد مردا باید بشن زن گفت که نه اونا هم مرد
باشن گفتم پس یعنی کل کره خاکی بشه مرد گفت که
خب نه همه میشیم انسان گفتم میخوای یه شابلون بدم
دست همه رو یه شکل کنی گفت اوا نه مگه من
کمونیستم گفتم تو که از اونا بدتری داری ادما رو قبل هر
چی یه شکل میکنی گفت نه تو نمی فهمی گفتم فقط یه
چیز تو که قراره مرد بشی این رژ، پنکک، لاک وو اینا رو
که یک ساعت سر اینه زدی به خودت رو پاک کن و یه
سیبیل کلفت بزار و به فکر بقیه چیز ها هم باش به هر
حال قراره مرد بشی دیگه گفت که اه حالم بهم خورد
سیبیل؟ تازه کامران (پسری که زیر سر داشت) گفته این
رنگ مو و رژ خیلی بهت میاد گفتم بله...



نظامی گنجه ای از یک فروشگاه اینترنتی گوشی خرید. اینستاگرام نصب کرد و توی بیمارستان تپ شد. گاهی با پرستار ها می رقصید. گاهی هم برای شان آواز می خواند. و اینگونه بود که نظامی شاخ مجازی شد. هر کاری هم می کردند دیگر حاضر نبود از قرنطینه بیرون بیاید. می گفت من به این بیمارستان تعلق دارم. او یک اکانت فیک دخترانه هم ساخت. و به یک خواننده ی خط خطی که در ترکیه الواطی می کرد پیام داد که: «من از تو انرژی مثبت می گیرم و دوست دارم این انرژی را به تو پس بدهم.» خواننده هم که آدم تنظیمی نبود نظامی گنجه ای را مسئول تیم دخترانش کرد. اما فیسبوک اکانت هر دوی آنها را شامل محتوای غیرمجاز تشخیص داد و مسدود کرد. روزهای فرهاد به بطالت، و شب هایش به بی حوصلگی می گذشت. او از عمق جان می سوخت که چرا دوباره معشوقه ی شیرین تر از جانش را با حماقت در دامن خسروی خرپول انداخته. شیرین قبل از تعطیلی دانشگاه ساکن خوابگاه خودگردان بود. او نه تنها پول خوابگاه را می داد مجبور بود مبلغی را به عنوان پول پیش به صاحب خوابگاه ودیعه بدهد. مسئول خوابگاه گفته بود دیگر دوس ندارد خوابگاه داری بکند. اما گویا مسائلی پشت پرده مسکوت مانده بود. مسئول خوابگاه پول شیرین و دوستانش را که قبل از شیوع کرونا واریز کرده بودند بالا کشید و گفت هیچ پولی را عودت نمی دهد. چون مسئول خوابگاه با خود دانشجویان قرارداد یکساله داشت. درحالیکه مسئول خوابگاه باید با دانشگاه قرارداد می داشت

نه با

فرهاد که پارسال در خوابگاه حبیب ساکن بود تجربه ی تعطیل شدن خوابگاه را داشت. میخواست به شیرین بگوید باید در یکی از خوابگاه های دولتی تپ شوی تا شاید دل شان رحم بیاید و برایت جایی خالی کنند. اما خسرو خودش خانه داشت و میخواست شیرین را به خانه ببرد. شیرین که شدیداً تحت فشار بود با شیوع کرونا از تعطیلی دانشگاه خوشحال ترین آدم روی زمین بود. فرهاد هر راهی را برای باز پس گرفتن شیرین امتحان کرد. اما شیرین دیگر نه خسرو را قبول می کرد نه فرهاد را. در خلوتش با خودش می گفت این خسروی خرپول و ایکپیری مرا برای زندگی که نمی خواهد. چندان چشم و دل پاک هم نیست. بیچاره فرهاد که اگرچه بی پول بود، حداقل مرا برای خودم میخواست! همیشه آرزوی شخصیتی را داشت که هر دوی آنها را با هم داشته باشد. مادرش می گفت همه مثل لیلی خرنانس نیستند که با لب های شتری و دندان های چپ اندر قیچی، دل مجنون را ببرند. پسری محتشم زاده، که از جاه و مال و مکنت کم ندارد و روی زیبایش شهره ی شهر است. شیرین حوصله ی نق زدن های مادرش را نداشت. می گفت مگر من چند سال دارم؟ خیلی باشد ۲۱ سال! اصلاً قصد ادامه تحصیل دارم. به همه ی خواستگار های دره پیتی که پیغام پسغام میفرستند هم جواب رد بده. مادرش گفت: «من دیگر کاری به کارت ندارم.» بعد به خمره ی آب اشاره کرد و گفت: «فقط برای ترشی انداختن باید دو خمره سرکه بخرم!» شیرین حوصله ی این را نداشت که به مادرش بفهماند هرکسی که ازدواج نمیکند را نباید ترشیده خطاب کرد. اما ته دلش می گفت: «ترشیده را بی خیال، بین برزخ خسرو و فرهاد ماندن از توی سرکه ترشیدن بد تر است.»

نویسنده: علی بهمنی

عشق پست مدرن

بسم ال..

صدا و سیما

این روزا که همه قرنطینه ایم محض سلامتی خودمون و عزیزانمون، یکی از سرگرمی هامون تلویزیون. ماه مبارک هم شروع شده و تنها راهی که میشه جایگزین عبادت ها و مناجات های دسته جمعی هرساله مون کرد، همین دعاها ی مجازی و ویژه برنامه های تلویزیونی هست، اما باز هم کم گذاشتند ...

۱،۲،۳،۴،۵ و ... شبکه هارا بالا و پایین میکنیم و خبری از برنامه ای مناسب نیست.

نمیخواهم فقط از صدا و سیما ایراد بگیرم و بگویم تو بدا! اما حقیقتا نه صدایی نه سیما ...

آن از سریال هایت ... این هم از گزارش های کرونایی ات .. کرونا فقط در مرکز استان هاست؟ گزارش هایت فقط برای جایی است که امکانات است؟

فقط با یک دوربین موبایل بیا به قلعه چنعان. اسمش هم آشنا نیست نه؟ همسایه شرکت فولاد اهواز! اینجا مگه کرونا نمیداد یا نیاز به اقلام بهداشتی یا حتی آموزش ندارند؟

وضعیت زندگیشان را فقط ببینید که بدانید در کشورمان

فقط پایتخت نشینان نیستند ... فقط مرکز استانی ها نیستند کوت عبدالله ای ها هم هستند ... کرونا به اینجا هم میرود! البته کرونای این مناطق بیشتر، مسئولین بی کفایت هستند ... چرا همیشه در مناطق محروم باید گروه های جهادی بسیجیان حضور داشته باشند نه دوربین های صدا و سیما، نه مسئولین؟ نه خیر های مدرسه ساز و مسجد ساز ... اگه نیت برای رضای خداست، که پول هایتان را بیاورید به قلعه چنعان.

اگر گزارش کرونایی دارید خبر بیاید به اینجا ... حقیقتا که نه صدایی نه سیما!

نه صدایشان را گزارش کردی نه چهره ی خانه هایشان را حالا هم که رزمایش "کمک مومنانه" به دستور رهبر معظم انقلاب شروع شده، فقط گزارش هایت از بسته بندی اقلام هست، کاش کمی دوربینت به حاشیه شهر میرفت ... کاش برنامه هایت حول ثابت ماندن این خیر بود ... نیازمندان فقط به کیسه های برنج و قند و چای نیاز ندارند ... به شغل

به منبع درآمد هم نیازمندند!

ای کاش کمی دوربینت بیکاری سرپرست خانواده های نیازمندان را هم ضبط میکرد

به بهانه ی شهادت معلم شهید؛ آیت الله سید مرتضی مطهری...

تنها سی روز پس از تثبیت نظام جمهوری اسلامی، گروهک فرقان به ترور مجاهد متفکر، مرتضی مطهری مبادرت ورزید. این مسئله نشان می داد انقلاب نه تنها باید با مخالفان خارجی دست و پنجه نرم کند، مخالفانی در داخل و حتی بدنه ی انقلاب نیز کمر به خیانت و برادرکشی بسته اند. چیزی که با ظهور منافقین نمود بیشتری پیدا کرد و با انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی بیش از پیش بروز پیدا کرد. سوءقصد ها شدت گرفت. ترور ها، موفق یا نافرجام، کم نبودند. نهال انقلاب اما بیدی نبود که به این باد ها بلرزد. هرچند روند کارشکنی های مخالفان در تحقق آرمان های انقلاب تاخیر انداخت اما بالاخره نظام سرافراز اسلامی بر پایه ی جمهوریت بحران ها را یکی از پس از دیگری پشت سر گذاشت.

ارکان انقلاب از تیررس ترور شخصیتی نیز در امان نبودند. شهید بهشتی را پیش از ترور فیزیکی ترور شخصیتی کردند. ساده لوح هایی در ردای شعبان بی مخ در خیابان ها علیه او شعار می دادند: «بهشتی، بهشتی؛ طالقانی رو تو کشتی!» حتی مرگ خاموش و شهادت گونه ی دکتر شریعتی یک سال پیش از انقلاب نیز در جهت مخالفت با بیداری اسلامی مردم ایران بود. شریعتی در کنار مطهری با نطق غرای خود در حسینیه ی ارشاد قلب مردم را برای خشکاندن ریشه ی استعمار و وابستگی تشنه کرده بودند. آمریکا که در تسخیر سفارت سیلی خورده بود، کودتای نوژه و طبعی نیز رعب و وحشتی مضاعف در دلش انداخت. آنها نه تنها با حمایت از صدام جنگ تحمیلی را راه اندازی کردند، گزینه ی جریان نفوذ را روی میز داشتند. تمایل برخی افراد به

بازگرداندن مملکت زیر سلطه ی آمریکا در ماجرای مک فارلین که به عزل نائب رهبری منجر شد از نمونه های نفوذ بود. به علاوه ترور مظلومانه ی شهید حسن آیت با ۶۵ گلوله، آن هم صبح روزی که مهندس موسوی از مجلس برای نخست وزیری رأی اعتماد گرفت سوالی ست که هنوز در هاله ای از ابهام باقی مانده ست. آیت با مهندس موسوی به علت نزدیکی با غرب مخالف بود. چیزی که در فتنه ی ۸۸ به وضوح زمینه ی بروز پیدا کرد و هشت ماه کشور را در بدترین بحران پس از انقلاب به رکودی شدید مبتلا کرد. مخالفین انقلاب دیگر راه را پیدا کرده بودند. ۸ سال مقاومت مردم ایران در جنگ، و تحمل انواع تحریم ها را دیدند. لاجرم توان خود را روی استفاده از مخالفین داخلی نظام جمهوری اسلامی متمرکز کردند. شهادت سپهد صیاد شیرازی و شهدای هسته ای نمونه ای از این وطن فروشی ست. همه ی این عملیات ها را یک سو، و پروژه ی جهانی سازی را در سمتی دیگر...

انقلاب اسلامی، که بنیان گذارش یک تار موی کوخ نشینان را به ساکنین کاخ ها نمی فروخت؛ از بدو تشکیل و تثبیت با نظام سرمایه داری حاکم بر جهان و کدخدانمنشی آمریکا مخالف بوده و هست. خاورمیانه ای که آمریکا می خواهد، و منطقه ای که جمهوری اسلامی به آزادی و عدم وابستگی تمام ملل مردمش به ویژه فلسطین قائل است در تضاد با یکدیگر هستند. به ویژه اینکه رژیم منحوس اسرائیل نقشی مهم در نظام سرمایه داری ایفا می کند. خطر بزرگ برای انقلاب زمانی ست که مسئولان نظام به اشرافی گری و سبک لیبرالی و کاپیتالیستی خو کنند، و خود مروج آنچه خواسته ی دشمنان نظام جمهوری اسلامی ست باشند.

چیزی که خون تمام شهدای ترور را بر باد خواهد داد.

نمیدونم یادتونه یا نه! حرف، حرف هشت سال پیشه... طرفداران مایا به استناد پیشگویی های نوسترآداموس، تقویم قوم مایا و بخصوص نوشته های زکریا سیچین، با سر هم کردن معادله و فرضیه چینی های بی اساسی، زمان پایان جهان را بین سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ تعیین کرده بودند. آنها بالاخره به اجماع رسیدند که جهان در روز ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ به دلیل برخورد سیاره ای به زمین، که آن را «نیبیرو» می نامیدند، پایان خواهد یافت. این شایعه در میان برخی مردم جهان موجی از نگرانی به راه انداخت و بسیاری اقدام به خرید پناهگاه های زیرزمینی و گران قیمت می کردند. روز کذا، نیمی از جهان برای رستخیز خود را آماده کرده بودند! ناسا این فرضیه را غیرعلمی خواند و اعلام کرد نه ناسا و نه هیچ سازمان علمی دیگری چنین چیزی را پیش بینی نکرده است. در گزارش ناسا آمده بود، تراز به خط شدن گیتی اصلا وجود خارجی ندارد و حداقل تا چند دهه ی آینده چنین هم راستایی رخ نخواهد داد. حتی اگر هم چنین پدیده ای اتفاق افتد، تأثیر آن بر زمین بسیار ناچیز خواهد بود. «احتمال برخورد شهاب سنگ ۴ کیلومتری» به موضوع مورد بحث این روزها تبدیل شده است. خب، هشت سال بعد از انقضای زمین، دوباره با تاریخ انقضای جدیدی برای زمین روبرو هستیم. این بار ناسا خود مبنای انتشار این شایعه است. روزنامه ی دیلی اکسپرس در این باره می نویسد: در ماه آوریل ۲۰۲۰ (چنین روزی) سیارکی در

ابعاد ۴/۱ کیلومتر به زمین نزدیک می شود که اصابت آن به سیاره ی زمین می تواند به معنی نابودی بشر باشد! کارشناسان ناسا بر این باورند که ۲۹ آوریل ۲۰۲۰ (برابر با ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹) جرم آسمانی مورد نظر به نزدیک ترین فاصله خود با ما می رسد. این سیارک با سرعتی معادل ۸/۷ کیلومتر بر ثانیه به سمت سیاره زمین در حرکت است. اجرام آسمانی گوناگون دائما به سمت زمین حرکت می کنند و پدیده برخورد شهاب سنگ با زمین آن قدرها هم نادر نیست. خب ناسا جان، شما که خودت ید طولایی در رد چنین نظریات مزخرفی (مثل نیبیرو) داشتی، چرا این بار شخصا وارد پازل شایعه پراکنی شدی؟! نکنه پای منافع کسی وسطه؟ یا لازم بوده باز دوباره یه موجی راه بندازی و از روش اسکی کنی؟

به هر حال علم، علمه. بعد ده دوازده سال اونقدررررر هم تغییر نمی کنه! یادمون نمیره تا بچه بودیم میگفتین پلوتون جزئی از منظومه شمسیه. بعد یهو از جمع سیاره ها قلم گرفتین! خلاصه اینکه پشت تلسکوپ هاتون میشینین توهم نزنین. واقعا علمی باشین. شب های رصد کانون فیزیک دانشگاه خلیج فارس هم بهتر از شماست. حداقل خرافه پخش نمیکنه. اونم در چنین ابعاد گسترده ای. خلاصه ناسا جان، اسم قشنگی در کردی. از روزی بترس که انقضای زمین که نه، علوم نامستدل تون برسه. آره داداچ.

در حکمت هفدهم نهج البلاغه از مولای متقیان علی علیه السلام به فرازی بر می‌خوریم که ماجرای حائز توجه و اهمیت دارد. در زمان پیامبر ایشان ابتدا پیروان خود را به خواب محاسن توصیه می‌کند و از آنها می‌خواهد ریش‌های سفیدشان را سیاه کنند. سال‌ها بعد، و در زمان ولایت امام علی علیه السلام شخصی که محاسن سپید مولا را میدید از ایشان پرسید: «رسول خدا فرمود موها را [مشکی] رنگ کنید و خود را شبیه یهود نسازید، این یعنی چه؟» شخص که به زعم خود سعی داشت تضاد رفتاری پیامبر و امام را با هم بسنجد این چنین از جواب شنید: پیامبر(صلی الله علیه و آله) این سخن را در روزگاری فرمود که پیروان اسلام اندک بودند، اما امروز اسلام گسترش یافته و نظام اسلامی استوار شده، هرکس آنچه را دوست دارد، انجام دهد. عملکرد اولیا الهی در زمان‌های مختلف نسبت به شرایط زمان می‌تواند متفاوت باشد و تفاوت رویه‌ی ایشان مبنی بر عدم ثبات اصول اسلام نیست.

عدم ولایت محوری برخی افراد بر اساس ذهنیت‌های شبهه‌ناک تنها تضعیف جامعه‌ی اسلامی و دور شدن از آرمان شهر و تمدن اسلامی را در پی دارد. همانطور که در شورش مردم بصره برخی از سران سپاه امام از جهاد در رکاب ایشان سر باز زدند، و به بهانه‌های بنی اسرائیلی در خانه ماندند. آن بزرگوار در این باره با دلی پرخون فرمودند: هر فریب‌خورده‌ای را نمی‌توان ملامت کرد. سرانجام و نتیجه‌ی سر باز زدن از سربازی در راه حق، قطعاً فرق شکسته‌ی ولی خدا به شمشیر منافقان را در پی دارد. یتیم شدن امت اسلام را در پی دارد. پرده‌نشینی آخرین سراج خاندان عصمت و طهارت را در پی دارد.

#نهج_البلاغه_بخوانیم

نویسنده: سید میثاق هاشمی



راوی: زهرا موسایی

گفتم: علت این دستور آقا برای چی بود؟ در یکی از سفرها به کربلا، یک پیرمرد کر و لال در کاروان ما بود. مدیر کاروان به من گفت: می توانی این پیرمرد را مراقبت کنی و همراه او باشی؟ من هم مثل خیلی های دیگر دوست داشتم تنها به حرم بروم و با مولای خودم خلوت داشته باشم، اما با اکراه قبول کردم.

کار از آنچه فکر می کردم سخت تر بود. این پیرمرد هوش و هواس درست و حسابی نداشت. اگر لحظه ای او را رها می کردم گم می شد. این پیرمرد هر روز با من به حرم می آمد و بر می گشت. حضور قلب من کم شده بود. چون باید مراقب این پیرمرد می بودم.

روز آخر قصد خرید یک لباس داشتم. فروشنده وقتی فهمید که او متوجه نمی شود. قیمت را چند برابر گفت. من جلو آمدم و گفتم: چی داری میگی؟ این آقا زائر مولاست. چرا اینطوری قیمت میدی؟ این لباس قیمتش خیلی کمتره. خلاصه اینکه من لباس را خیلی ارزان تر برای این پیرمرد خریدم. با هم از مغازه بیرون آمدیم. من عصبانی و پیرمرد خوش حال بود. با خودم گفتم عجب دردسری برا خودمون درست کردیم. این دفعه کربلا اصلا به ما حال نداد. یکبارہ دیدم پیرمرد ایستاد. رو به حرم کرد و با انگشت دست، مرا به آقا نشان داد و با همان زبان بی زبانی برای من دعا کرد. جوان پشت میز گفت: به دعای این پیرمرد، آقا امام حسین شفاعت کردند و گناهان پنج سال تو را بخشیدند. باید در آن شرایط قرار می گرفتی تا بفهمید چقدر از این اتفاق خوشحال شدم. صدها برگ از اعمال من جلو رفت. اعمال خوب این سال ها همگی ثبت شد و گناهانش محو شده بود.

سه دقیقه در قیامت زندگی رزمندۀ ایه که تواتاق عمل از دنیا میره و بعد سه دقیقه با شوک باز زنده میشه ولی تو همین سه دقیقه چیزایی رو می بینه که درکش خیلی سخته... دو سوم قرآن درباره معاده. برای درک بهتر معاد و عمل به آموخته های قرآن، خوندن این کتاب، مخصوصا تو این ماه مبارک، خالی از لطف نیست.



حسابی به مشکل خورده بودم. اعمال خوبم به خاطر شوخی های بیش از حد و صحبت های پشت سر مردم و غیبت ها و... ناپود می شد و اعمال زشت من باقی می ماند. البته وقتی یک کار خالصانه انجام داده بودم، همان عمل باعث پاک شدن کارهای زشت می شد.

همین طور که اعمال روزانه بررسی می شد، به یکی از روزهای دوران جوانی رسیدیم. اواسط دهه هشتاد. یکبارہ جوان پشت میز گفت: به دستور آقا ابا عبدالله پنج سال از اعمال شما را بخشیدیم. این پنج سال بدون حساب طی می شود.

با تعجب گفتم: یعنی چی؟ گفت: پنج سال از گناهان شما بخشیده شده و اعمال خوبتان باقی می ماند.